

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال پنجم، شماره هفدهم، پاییز ۱۳۹۲

صفحات: ۲۰-۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۲/۲۷- تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۷

خصوصیت های مسلحانه و خشونت علیه زنان و کودکان از منظر مقررات بین المللی

حسنعلی موذن زادگان*

محمد علی حیدری**

امین نیکو منظری***

چکیده

موضوع خصوصیت های مسلحانه در عصر حاضر یکی از موضوعات مهم در عرصه بین المللی و داخلی است. جهان هر روزه شاهد جنگ های بین المللی و داخلی می باشد. پیشگیری از این مخاصمات در گرو توسعه مردم سالاری و رعایت حقوق بشر و حکومت قانون در ابعاد گوناگون آن است. زنان و کودکان عامل برانگیختن جنگها نیستند ولی همواره به گواه تاریخ بیشترین صدمات را در اثر جنگ ها به صورت گوناگون متحمل شده و می شوند. از مشکلات حاد بین المللی زنان مسئله تجاوز نظام یافته علیه زنان و کودکان در مناقشات مسلحانه است که با هدف پاکسازی قومی و... به طور وحشیانه صورت می پذیرد. مسلماً برخورد قاطع و جدی جامعه بین المللی می تواند تأثیر مطلوبی در جلوگیری از ارتکاب به این اعمال غیر انسانی داشته باشد.

کلید واژگان: خصوصیت های مسلحانه، خشونت علیه زنان و کودکان.

*استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول moazenzadegan@gmail.com)

**دانش آموخته کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات متحده عربی، دبئی، امارات متحده عربی.

***دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

مقدمه

در حقوق بین الملل، جنگ شیوه اجبار همراه با اعمال قدرت و زور است که می توان آن را از نظر حقوقی چنین تعریف نمود: جنگ به عنوان «ابزار سیاست ملی»، مجموعه عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه ای است که در چهارچوب مناسبات کشورها (دو یا چند کشور) روی می دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آنها با یکدیگر و همچنین با کشورهای ثالث می شود. در این جهت، حداقل یکی از طرفین مخاصمه در صدد تحمیل نقطه نظرهای سیاسی خویش بر دیگری است. به این ترتیب، عملیات قهرآمیز مسلحانه وسیله و هدف تحمیل اراده مهاجم می باشد. در مجموع مفهوم حقوقی جنگ شامل چهار عنصر یا رکن اساسی است: عنصر تشکیلاتی و سازمانی (کشورها)، عنصر مادی (اعمال قدرت مسلحانه)، عنصر معنوی یا روانشناسی (قصد و نیت جنگ) و سرانجام هدفدار بودن جنگ (منافع و مصالح ملی). یکی از عناصر اساسی سازنده مفهوم جنگ، عنصر تشکیلاتی و سازمانی یعنی «کشورها» می باشد.

مشکل جامعه بین المللی تنها به کمبود و نواقص مقررات در عرصه های گوناگون بین المللی ختم نمی شود؛ چرا که در بعضی موارد، شاهد نوعی تورم و افزایش مقررات می باشد. وجود هنجارهای متعدّد در عرصه های مختلف، بدون داشتن ضمانت اجرایی واقعی، ارزش چندانی را برای جامعه بین المللی به ارمغان نمی آورد. این مقررات زمانی می تواند روابط بین المللی را به خوبی منظم کند که دارای مکانیزمهای مؤثر اجرایی باشد و به وسیله تابعان اولیه و اصلی حقوق بین الملل، مورد حمایت و در عرصه عمل، مورد احترام واقع شود.

خصومت های مسلحانه علیه کودکان و زنان

امروزه جرایم علیه زنان توجه زیادی را به خود جلب کرده است و با زیادتر شدن قدرت سیاسی زنان مبارزه با این جرایم با جدیت بیشتری در کشورهای مختلف دنبال می شود. در حقوق جزای بین الملل خشونت علیه زنان معمولاً به شکل خشونت جنسی نمود پیدا می کند. یکی از اولین تلاشها برای مبارزه با مرتکبین این گونه اعمال در سال ۱۹۱۹ انجام گرفت و کمیسیونی برای رسیدگی به گزارشهای موجود راجع به تجاوز افراد ارتش آلمان به زنان فرانسوی و بلژیکی تشکیل شد که البته این امر بنا به ملاحظات سیاسی تعقیب نگشت. (آقابخشی، ۱۳۸۳) جنگ جهانی دوم نیز شاهد اعمال خشونت های جنسی فراوان از سوی سربازان روسی و ژاپنی و تا حد کمتری آلمانیها بود. این جرایم نیز پس از پایان جنگ به طور جدی پی گیری نشدند.

در جنگهای اخیر در بنگلادش، کنگو، اکوادور، پرو، کشمیر، هائیتی، لیبیا، برمه، السالوادور، رواندا، ویتنام و یوگوسلاوی سابق نیز جرایم جنسی علیه زنان به کرات اتفاق افتاده است. (نشریه مترو ۲۰۰۰).

خشونت جنسی علیه زنان در اثنای نسل کشی سال ۱۹۹۴ رواندا نیز به کرات اتفاق افتاده است. این خشونت‌ها هم، مثل قتل و کشتار، از سوی رهبران سیاسی و نظامی کشور و وسایل ارتباط جمعی دولتی مورد تشویق قرار می‌گرفت. بسیاری از زنانی که در رواندا مورد تجاوز قرار گرفته‌اند بعداً به قتل رسیده و برخی نیز در بدترین شرایط و در حالی که شاهد به قتل رسیدن خویشان خود بودند نگهداری می‌شدند.

خشونت جنسی در بسیاری از جنگ‌ها علیه زنان به کار رفته است و در برخی از موارد با اعمال دیگری از قبیل بریدن اعضای بدن یا آنچه که بردگی جنسی نامیده می‌شود همراه بوده است. (اردیلی، ۱۳۸۶).

بنابراین در جنگ‌ها معمولاً زن بودن جمعیت غیر نظامی عامل مضاعفی برای تحت ستم واقع شدن بوده است. حتی در تاریخ کشور خودمان نیز گزارش شده که آغا محمد خان قاجار، پس از شکستن حصار برخی از شهرها، جان و مال و ناموس مردم را بر سپاهان خود حلال اعلام می‌کرد و از این رهگذر چه جنایاتی که اتفاق نمی‌افتاد. در سایر کشورها و جنگ‌ها نیز چنین مواردی مشاهده می‌شود.

برخی معتقدند که تا کنون جامعه بین‌المللی توجه لازم را نسبت به جلوگیری از این جرم معمول داشته است. بخشی از این بی‌توجهی به نظر آنان ناشی از آن است که حقوق بشر دوستانه بین‌المللی این جرم را یک جرم علیه حیثیت و شرافت زن، و نه یک خشونت جسمانی علیه وی، محسوب داشته و بنابراین آن را کم‌اهمیت‌تر از اعمالی چون شکنجه دانسته است. اخیراً در سطح بین‌المللی تلاشهایی برای جبران این کاستیها صورت گرفته است. هم‌اعلامیه و دستور العمل وین، که از سوی کنفرانس جهانی حقوق بشر در ژوئن سال ۱۹۹۳ صادر شد، و هم‌اعلامیه و دستور العمل پکن، که از سوی چهارمین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد زنان در سپتامبر سال ۱۹۹۵ صادر گشت، بر لزوم مبارزه با ارتکاب خشونت‌های جنسی علیه زنان تأکید ورزیده‌اند. معمولاً با عمل تجاوز، علاوه بر تحقیر زن، گروه و جامعه‌ای که وی تعلق به آن دارد (اعم از این که یک گروه مذهبی یا نژادی یا ملی باشد) نیز تحقیر می‌شود. بنابراین در جنگ‌ها طرف پیروز بیش از طرف شکست خورده به این عمل دست می‌زند و آن را به عنوان یکی از نمادهای پیروزی خود تلقی می‌کند. (عیتانی، ترجمه پیران و همکاران، ۱۳۸۷)

زنانی که قربانی این جرم قرار می‌گیرند، علاوه بر مشکلات حاد و روانی، گاهی به بیماریهایی چون ایدز و بیماریهای مقاربتی دچار شده و فرزندان ناخواسته به دنیا می‌آورند. تعداد این کودکان در رواندای فعلی از ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ تخمین زده شده است. با توجه به منع قانونی سقط جنین در رواندا (یا عدم امکان انجام به موقع آن توسط زنان) تعدادی از زنان، پس از تولد نوزاد، وی را به قتل رسانیده و برخی نیز با نگهداشتن نوزاد موجب بروز شکاف و اختلاف در خانواده‌ها شده‌اند. به علاوه، با توجه به کشته شدن شوهران یا پدران بسیاری از این

زنان، تأمین هزینه نگهداری اینگونه کودکان (که بعضاً با اصطلاحاتی چون «کودکان ناخواسته» یا «بچه‌های نفرت» یا «کودکان خاطرات تلخ» از آنها نام برده می‌شود) برای مادرانشان بسیار مشکل شده است، به ویژه از آن رو که زنان در جامعه رواندا، علیرغم آنچه که ماده ۱۶ قانون اساسی سال ۱۹۹۱ این کشور پیش‌بینی کرده است، شهروندان درجه دو محسوب شده و معمولاً جز در مواردی که به صراحت به نفع آنها وصیت شده باشد از ارث بردن از پدران، شوهران و سایر اقوام خود محروم هستند و بنا بر این نمی‌تواند به اموال و املاک باقی مانده از آنان یا مستمریهای آنها دست یابند. (ناصرزاده، ۱۳۷۲).

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در بند ۱(ز) از ماده ۷ صراحتاً خشونت‌های جنسی را از زمره جرایم علیه بشریت محسوب کرده است. این بند به تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فحش‌های اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری یا هر شکل دیگر خشونت جنسی مشابه اشاره کرده است. لازم به ذکر است که بند ۲(واو) از همین ماده حاملگی اجباری را عبارت از «حبس کردن غیر قانونی زنی که به زور حامله شده است به قصد تأثیر گذاری بر ترکیب قومی جمعیت خاص...» دانسته است. توضیح آن که دلیل ذکر این تعریف آن است که برخی از کشورها، از جمله کشورهای اسلامی، دغدغه آن را داشتند که منع حاملگی اجباری در اساسنامه به منزله مخالفت با منع سقط جنین باشد و بنا بر این آماده پذیرش این موضوع نبودند ولی بند ۲ این دغدغه آنها را بر طرف کرد. این گونه خشونت‌های جنسی در بند ب(۲۲) از ماده ۸ اساسنامه نیز به عنوان جرایم جنگی، که با نقض قوانین و عرف‌های حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی ارتکاب می‌یابند، شناخته شده‌اند. (عیتانی، ترجمه شریفی طراز کوهی، ۱۳۸۵).

مصادیق و عناصر خاص جنایات مسلحانه بین‌المللی

۱. نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ اوت (۱۹۴۹) ژنو: بر حسب موقعیت، برخی جنایات جنگی می‌توانند پس از پایان مخاصمات آشکار و به ویژه هنگام بازگشت اسرای جنگی به میهن خود، واقع شوند. بنابراین، جنایات جنگی می‌توانند هنگامی که هیچ مخاصمه مسلحانه‌ای وجود ندارد، یا به عبارت دیگر پس از پایان مخاصمات نیز ارتکاب یابند. قانون جنایات جنگی در برخی موارد نسبت به کل سرزمین یک کشور و نه صرفاً منطقه محل مخاصمات می‌تواند اجرا شوند.

بدون تردید کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، به صورت بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی در آمده که نقض فاحش آنها جنایت جنگی محسوب شده و موجب مسئولیت کیفری فرد می‌گردد. هشت مصداق به عنوان موارد نقض فاحش کنوانسیون‌های فوق، جنایات جنگی محسوب شده که برخی از غیر نظامیان و اموال مورد حمایت کنوانسیون‌های فوق را به خطر می‌اندازد.

عناصر جنایات جنگی به موجب بند «۲» ماده ۸ اساسنامه باید در محدوده چهارچوب مقرر حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه شامل حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه قابل اعمال در مورد مخاصمات مسلحانه در یا هرگاه که مصداق داشته باشد، تفسیر شود. جرایم جنگی تالیه علاوه بر ارکان عمومی، شامل سه رکن دیگر نیز می شود، که باید توأم با آنها باشد تا جنایت جنگی محقق گردد، که عبارت است از:

۱. مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وضعیت حمایت شدگی را اثبات می کند، آگاهی داشته باشد.

۲. سلوک و رفتار در سیاق یک نزاع مسلحانه بین المللی واقع شده و همراه با آن بوده است.
۳. مرتکب جریمه با علم از اوضاع و احوال واقعی که وجود نزاع مسلحانه را اثبات می کند، آگاهی داشته باشد. (عیتانی، ۲۰۰۹)

کشتن عمدی غیر نظامیان

ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی ایران در مورد تعریف قتل عمد چنین مقرر می دارد؛ قتل در موارد زیر عمدی است:

۱. مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را دارد، خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.
۲. مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد، هرچند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.

۳. مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست، ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری و یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد. (هنکرتز و دوسوالدبک^۱، ترجمه دفتر امور بین الملل قوره قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته صلیب سرخ، ۱۳۹۰).

الف. عنصر مادی

طبق رویه قضایی بین المللی موجود، رکن مادی این جنایت، سلب حیات از اشخاص تحت حمایت به هر وسیله ممکن است. ارتکاب این جنایت می تواند با انجام فعل یا ترک فعل باشد، به شرط آنکه عمل متهم سبب واقعی مرگ قربانی باشد. (کریانگ ساک کیتی شیایزری، ترجمه یوسفیان و اسماعیلی، ۱۳۸۳)

قتل عمدی که موجب نقض فاحش کنوانسیون های فوق می شود، با رفتارهای ذیل محقق می شود:

¹. Hangtez & Doswldbeak

کشتن مجروحین، اسرا و ساکنان غیر مسلح اراضی تحت اشغال یا به حال خود رهاکردن و به گرسنگی کشانیدن افراد مزبور و یا سوء رفتار شدید با اسرای جنگی یا غیر نظامیان که به مرگ آنان منتهی گردد.

ب. عنصر قانونی کشتن غیر نظامیان در اسناد بین المللی
کشتن غیر نظامیانی که به دلیل جراحت، اسارت و غرق شدن و یا کسانی که به هرنحوی از جنگ باز مانده اند، در اسناد بین المللی از عهد نامه «وستفاليا ۱۶۴۴» تا کنوانسیون های جهانی ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، تحت عنوان رعایت قوانین و عرف های مسلّم حقوق بین الملل منع شده است.

عنصر خاص کشتن غیر نظامیان:

کمیسیون مقدماتی دادگاه بین المللی کیفری برای تعیین عناصر اختصاصی جرایم، که از این به بعد به «کمیسیون مقدماتی» تعبیر خواهد شد، عنصر خاص جرم قتل عمد را این گونه بیان نموده:

۱. مرتکب یک یا چند شخص را کشته است؛
۲. چنان شخص یا اشخاصی تحت حمایت یک یا چند کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ قرار گرفته اند؛
۳. مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که آن وضعیت حمایت شدگی را ایجاد کرده، آگاهی داشته است؛
۴. رفتار در سیاق یک مخاصمه مسلحانه بین المللی صورت پذیرفته و با آن همراه بوده است. و مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وجود مخاصمه مسلحانه را موجب شده، آگاهی داشته است.

در این چهار مورد، عنصر مادی همراه با عنصر معنوی «علم» برای تحقق جرم «قتل عمد» کافی دانسته شده است، مضافاً بر آن در جرم قتل عمد، زیاد بودن افراد شرط نبوده بلکه با کشتن و لو یک نفر توسط متهم در صورتیکه از عمل خود آگاهی داشته باشد، جرم جنگی قتل عمد صدق می کند. (دوئرتی و فالتزگراف^۲، ترجمه بزرگی و طیب، ۱۳۷۴).

ج. شکنجه یا رفتار غیر انسانی

کمیسیون مقدماتی تعیین عناصر جرایم، جرم شکنجه را اینگونه تعریف نموده: «وارد آوردن درد و رنج جسمانی یا روانی شدید به یک یا چند شخص که تحت اسارت یا نظارت متهم است به منظور بدست آوردن اطلاعات، کسب اقرار، یا هر نوع اعمال مغایر با شأن انسانیت.» به عبارت دیگر: «واژه شکنجه به هر عملی اطلاق می شود که عمداً درد یا رنج های

². Doerti & Faltzgrof

جانگاہ جسمی یا روحی به شخص وارد آورد. خاصه به قصد اینکه از این شخص یا شخص ثالث، کسب اطلاعات، اخذ اقرار، تنبیه کردن، ایجاد رعب، اجبار و یا به هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد، بروز کند.» (اردبیلی، ۱۳۸۶).

د. عنصر قانونی شکنجه در اسناد بین المللی

در اسناد بین المللی ذیل علاوه بر اینکه شکنجه ممنوع گردیده، جنایات جنگی نیز شمرده شده است:

۱. پیش نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۱ (پاراگراف الف، بند ۲، ماده ۲۲)؛

۲. منشور دادگاه بین المللی نورنبرگ، شکنجه راتحت عنوان سوء رفتار، جرم جنگی دانسته است، (پاراگراف، ب، ماده ۶)؛

۳. اساسنامه دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق (پاراگراف، ب، ماده ۲)؛

۴. اساسنامه دادگاه بین المللی رواندا (پاراگراف الف، ماده ۴ موارد تخلف از ماده ۳ مشترک)؛

۵. اساسنامه دادگاه بین المللی ویژه سیرالئون (بند الف ماده ۳، تخلف از ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم)؛

۶. اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری دائمی «رم» (بند ۲، پاراگراف الف، ماده ۸).

عنصر خاص شکنجه یا رفتار غیر انسانی

کمیسیون مقدماتی، عنصر خاص جرم شکنجه یا رفتار غیر انسانی را این گونه بیان نموده:

۱. مرتکب، درد یا رنج جسمانی یا روانی شدید به یک یا چند شخص وارد کرده است؛

۲. مرتکب، درد یا رنج را به منظور کسب اطلاعات یا اخذ یک اقرار، مجازات، ارباب یا اجبار یا به هر دلیلی بر مبنای تبعیض از هر نوع وارد آورده است؛

۳. چنان شخص یا اشخاصی به موجب یک یا چند کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ مورد حمایت قرار گرفته اند؛

۴. مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وضعیت حمایت شدگی را ایجاد کرده، آگاهی داشته است؛

۵. رفتار در سیاق یک مخاصمه مسلحانه بین المللی صورت پذیرفته و با آن همراه بوده است؛

۶. مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وجود مخاصمه مسلحانه را موجب شده، آگاهی داشته است.

یکی از موارد رفتار غیر انسانی، اخذ گروگان از غیر نظامیان به عنوان سپر انسانی می باشد. در صدق جرم جنگی شکنجه یا رفتار غیر انسانی، همراه شدن عنصر مادی با عناصر روانی قصد یا علم و آگاهی کافی دانسته شده، ضمناً حتی اگر یک نفر هم مورد چنین رفتاری تحت چنین

شرایطی قرار گیرد، جرم جنگی شکنجه یا رفتاری غیرانسانی تحقق می یابد. در دادگاه های بین المللی نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی سابق، رواندا، سیرالئون و دادگاه بین المللی کیفری دائمی افرادی به این جرم محاکمه و مجازات شده اند.

«عنصری که رفتار غیرانسانی را از شکنجه متمایز می کند، همانا فقدان قصد معین برای وارد کردن صدمه است.» (هنکرتز و دوسوالدبک، ترجمه دفتر امور بین الملل قوره قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته صلیب سرخ، ۱۳۹۰).

عنصر قانونی تجاوز جنسی در اسناد بین المللی

تجاوز جنسی در اساسنامه های دادگاه های بین المللی ذیل تحت عنوان نقض فاحش کنوانسیون های ژنو و تخلف از قوانین و عرف های جنگ، جنایت جنگی شناخته شده است:

۱. اساسنامه دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق (در بند الف، ماده ۲ نوعی شکنجه محسوب شده است.)؛

۲. اساسنامه دادگاه بین المللی رواندا (بند ه، ماده ۴)؛

۳. اساسنامه دادگاه بین المللی سیرالئون (بند ه از پاراگراف (الف) ماده ۳)؛

۴. اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری دائمی (بند ۲۲ از پاراگراف ب، ماده ۸).

عناصر خاص تجاوز جنسی

۱. «مرتکب، به بدن شخص از طریق رفتاری که نتیجه آن نفوذ، اگرچه جزئی، در هر بخشی از بدن قربانی بوده یا مرتکب با عضو جنسی یا دبر یا قبل قربانی با هربخش دیگر بدن بوده، تجاوز کرده است؛

۲. تجاوز با زور، تهدید به استفاده از زور یا اجبار صورت گرفته، همانند تجاوزی که بر اثر ترس از خشونت، اجبار، بازداشت، ستم روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه شخص مزبور یا اشخاص دیگر با استفاده از محیط اجبار آمیز، ارتکاب یافته است، یا اینکه تجاوز علیه شخصی که از دادن رضایت واقعی عاجز بوده، صورت گرفته است؛

۳. رفتار در سیاق و همراه با یک مخاصمه مسلحانه بین المللی صورت پذیرفته است؛

۴. مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وجود مخاصمه مسلحانه را موجب شده، آگاهی داشته است.» (هنکرتز و دوسوالدبک، ترجمه دفتر امور بین الملل قوره قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته صلیب سرخ، ۱۳۹۰).

بردگی جنسی

گزارشگر ویژه گروه کاری اشکال نوین برده داری سازمان ملل، بردگی جنسی را چنین تعریف می کند:

«وضعیت یا حالت شخصی که نسبت به وی هریک از اختیارات ناشی از حق مالکیت یا تمامی آنها اعمال می گردد، از جمله برخورداری جنسی از طریق هتک ناموس یا دیگر اشکال تعرض جنسی.» تعریف فوق می تواند انواع بردگی مربوط به وضعیت زنان و کودکان، مانند خرید و فروش، قاچاق و موارد مشابه جنسی را شامل شود. «(هنکرتز و دوسوالدبک، ترجمه دفتر امور بین الملل قوره قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته صلیب سرخ، ۱۳۹۰).

عنصر قانونی، مادی و روانی بردگی جنسی در اسناد بین المللی

بردگی جنسی صرفاً در اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری دائمی در مواد ۷ و ۸، با توجه به بستر و زمینه وقوع خود، جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی محسوب شده است.

۱. مرتکب هریک یا کلیه اختیارات متعلق به حق تملک یک یا چند شخص را از جمله از طریق خرید، فروش، قرض دادن یا معاوضه شخص یا اشخاص مزبور یا از طریق محروم سازی مشابه از آزادی اعمال کرده است؛

۲. مرتکب موجب شده که شخص یا اشخاص مزبور به یک یا چند عمل دارای ماهیت جنسی پردازند؛

۳. رفتار در سیاق و همراه با یک مخاصمه مسلحانه بین المللی صورت پذیرفته است؛

۴. مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وجود مخاصمه مسلحانه را موجب شده، آگاهی داشته است.» (کسسه^۳، ترجمه شریفی طراز کوهی، ۱۳۸۷)

حاملگی اجباری

بند ۲ (ه) ماده ۷، اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری دائمی، حاملگی اجباری را چنین تعریف کرده است: «یعنی حبس کردن غیرقانونی زنی که به زور حامله شده است به قصد تأثیرگذاری بر ترکیب قومی یک جمعیت یا دیگر نقض های فاحش حقوق بین الملل.» ارتکاب این جرم در سیاق مخاصمات مسلحانه، به موجب اساسنامه این دادگاه بین المللی، جرمی جنگی محسوب شده و هیچ رابطه یا تأثیری بر قوانین داخلی کشورها ندارد. (بوتول^۴، ترجمه فرخجسته، ۱۳۶۸).

عنصر قانونی حاملگی اجباری در اسناد بین المللی

حاملگی اجباری صرفاً در اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری، به موجب مواد ۷ و ۸ آن، جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی شمرده شده است.

³. Kaseseh

⁴. Botol

عناصر خاص مادی و روانی حاملگی اجباری

۱. مرتکب، یک یا چند زن را که با زورحامله شده اند، به قصد تأثیر نهادن بر ترکیب قومیتی جمعیت یا انجام سایر موارد نقض فاحش حقوق بین الملل در حصر نگاه داشته است؛
۲. مرتکب یا شخص دیگر در ازاء و یا در رابطه با اعمال دارای ماهیت جنسی، مزایای مالی کسب کرده اند و یا انتظار می رود که کسب کند؛
۳. رفتار در سیاق و همراه با یک مخاصمه بین المللی صورت پذیرفته است.» (شبث^۵، ترجمه عباسی و الهوئی، ۱۳۸۴).

عقیم سازی اجباری

- با توجه به عنصر مادی عقیم سازی اجباری، تعریف جرم مزبور چنین خواهد بود: «مرتکب، عمداً شخص یا اشخاصی را از طریق مواد تزریقی یا صدمه زدن فیزیکی از توانایی تولید مثل محروم سازد.»
- عنصر قانونی عقیم سازی اجباری در اسناد بین المللی جرم انگاری رفتار فوق در خلال مخاصمات مسلحانه، نیز یکی از نوآوری های اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری می باشد. (اردبیلی، ۱۳۸۶)

عناصر خاصی مادی و روانی عقیم سازی اجباری

۱. مرتکب، یک یا چند شخص را از توانایی تولید مثل بیولوژیک محروم کرده است؛
۲. رفتار نه از لحاظ رفتار پزشکی یا بیمارستانی شخص یا اشخاص مربوط توجیه پذیر بوده و نه با رضایت واقعی آنان انجام شده است؛
۳. رفتار در سیاق و همراه با یک مخاصمه مسلحانه بین المللی صورت پذیرفته است؛
۴. مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وجود مخاصمه مسلحانه را موجب شده، آگاهی داشته است.» (شبث، ترجمه عباسی و الهوئی، ۱۳۸۴).

خشونت جنسی

گزارشگر ویژه در گزارش «صور بردگی معاصر»، خشونت جنسی را این گونه تعریف می کند:

«خشونت جنسی، حملات جسمی و روحی ای را دربرمی گیرد که بر ویژگی های جنسیتی یک فرد صورت می پذیرد از قبیل وادار کردن شخص به برهنه گردیدن در ملأعام، آسیب رساندن به اعضای تناسلی فرد، یا قطع پستان های زنان.» (هنکرتز و دوسوالدبک، ترجمه دفتر امور بین الملل قوره قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته صلیب سرخ، ۱۳۹۰).

⁵. Shabas

عنصر قانونی خشونت جنسی در اسناد بین المللی

خشونت جنسی صرفاً در اسنادنامه دادگاه بین المللی کیفری دائمی، بموجب ماده ۸ به عنوان جنایت جنگی محسوب شده و تاکنون در هیچ سند بین المللی تحت این عنوان «جنایت جنگی» جرم انگاری نشده است.

عناصر خاص مادی و روانی خشونت جنسی

۱. مرتکب، عمل خشونت جنسی را علیه یک یا چند شخص مرتکب شده یا از طریق زور، تهدید به زور یا اجبار از قبیل آنچه به واسطه ترس از خشونت، اجبار، بازداشت، ستم روانی، یا سوء استفاده از یک محیط اجبارگرانه یا استفاده از ناتوانی چنان شخص یا اشخاصی از دادن رضایت واقعی، شخص یا اشخاص مزبور را مجبور کرده که به یک عمل دارای ماهیت جنسی بپردازند؛

۲. رفتار دارای وخامتی قابل مقایسه با نقض فاحش کنوانسیون های ژنو بوده است؛

۳. مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وخامت رفتار را موجب شده، آگاهی داشته است؛

۴. رفتار در سیاق و همراهِ با یک مخاصمه مسلحانه بین المللی صورت پذیرفته است؛

۵. مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وجود مخاصمه مسلحانه را موجب شده، آگاهی داشته است.». (کسسه، ترجمه شریفی طراز کوهی، ۱۳۸۷)

نتیجه گیری

پیشرفتهای بدست آمده در قلمرو علمی، صنعتی و فنی در سده حاضر به ویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم، به تدریج موجب تحول جامعه جهانی، ارزشها و امیدهای انسانها شده است. توسعه صوتی - تصویری رسانه های گروهی و نیز رشد شتابنده حمل و نقل به نوبه خود ارتباط میان کشورها و شهروندان آنها را آسان و سریع نموده، بطوریکه امروزه سخن از «دهکده کوچک جهانی» به میان آورده میشود. ارزشهای بشری استقرار یافته از یک سو، ظهور ارزشهای جدید مشترک بین المللی که به برکت پیشرفتهای امکان رشد یافته است از سوی دیگر، سبب گردیده تا سرنوشت همه کشورها و اصولاً نوع بشر به هم گره بخورد.

جنگها به عنوان عامل اصلی، توسعه جوامع را که برای تساوی حقوقی و اجتماعی زنان امری مهم است تحت تاثیر خود قرار داده و زنان را به عنوان قربانیان اصلی و بی دفاع جوامع به سوی نابودی و انزوا و تبعیض رهنمون می شوند.

تحت تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم جنگها روزانه هزاران زن و کودک در سطح جهان در اثر گرسنگی، کمبود آب و غذا و بیماری های رایج ناشی از مخاصمات مسلحانه قربانی می شوند.

در سرتاسر جهان انسانها در اثر درگیری های مسلحانه و اختلافات خشونت بار، ترور، اسارت و اشغال در رنج و عذابند و بیشتر از همه این عذاب ها کارا کتری به نام جنسیت زنان و دختران بیشماری را در آتش ظلم و جور و زیاده خواهی سیاست مداران نابود می کند. شرف انسانی زنانه در حال حاضر تحت اختلافات اشغالگرانه و اختلافات قومی و گروهی و مذهبی مورد هدف های حمله جویانه و تاکتیک های ترور آمیز قرار گرفته است.

از مشکلات حاد بین المللی زنان مسئله تجاوز نظام یافته به زنان در مناقشات مسلحانه است با هدف پاکسازی قومی به طور وحشیانه صورت می پذیرد که مسلماً برخورد قاطع و جدی جامعه بین المللی می تواند تأثیر مطلوبی در جلوگیری از ارتکاب به این اعمال غیر انسانی داشته باشد. به طور مثال در دوره جنگ جهانی دوم، حدود یکصد هزار تا دویست هزار زن به نحوی منظم استخدام یا ربوده شدند و با رفتار سبعانه ای که در موردشان صورت می گرفت مجبور می گردیدند که به عنوان «زنان آرامش بخش» در خدمت سربازان ژاپنی قرار گیرند. «زنان آرامش بخش»، اگرچه ۸۰٪ اهل کره بودند. اما شامل زنان ژاپنی، فیلیپینی، چینی، اندونزیایی و اروپایی نیز می شدند. قرار بر این بود که هر زن در هر روز تقریباً به ۳۰ سرباز خدمت کند، و در عوض مزد ناچیزی می گرفت یا اصلاً مزدی دریافت نمی کرد.

در جایی که زنان قربانی تجاوز جنسی، مدرکی برای تجسم برتری نیروهای خصم و تسخیر قلمروی انسانی اند، تجاوز جنسی می تواند نوعی پیام بین نیروهای متخاصم باشد. خشونت های جسمی از قبیل حاملگی های اجباری و ازدواج های تحمیلی با تحلیل احساس هویت شخصی زنان و تخریب روابط اجتماعی داخل گروه های انسانی منجر به تضعیف روحیه اشخاص و جوامع می شوند

در اثر تجاوزات جنسی سیستماتیک، بارداری های اجباری و تمامی اشکال دیگر خشونت های جنسی بر علیه زنان، شرف انسانی و حقوق طبیعی انسانی آنان روز بروز بیشتر مورد تعرض قرار می گیرد.

این در شرایطی است که در پیمان ژنو سال ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی آن در جهت امنیت افراد غیر نظامی در مناطق جنگی آمده، زنان بخصوص در برابر حمله به شرف انسانی شان و از همه مهمتر در برابر خوار شدن و رفتار غیر انسانی بر علیه آنان، تجاوز و کشیده شدن به فحشا و هر گونه رفتار خشونت بار دیگر محافظت می گردند، اما شاهد می شود که در اثر کار برد خشونت های جنسی از سوی جنگ افروزان اشغالگر حقوق انسانی ملت ها و افراد غیر نظامی و بخصوص زنان بطور وحشتناکی پایمال می شود.

تحمل خشونت ها، بخشی از آسیب های روا شده به زنان است اگر نه پناهندگی و آوارگی، بلکه مسئولیت حفظ خانواده و تأثیر پذیری از امراض مهلک مانند ایدز باعث رنجهای فراوان آنان می باشد. در حال حاضر می بایستی از طریق حقوق قراردادی بر حمایت بیشتر از زنان در

تعارضات مسلحانه کمک کرد و نباید این نکته را فراموش کرد که این حمایت در یک چارچوب وسیعتری از تغییر نگرش به زنان و ساختار اجتماعی جوامع تکیه دارد و آن اصلاح باورها و خط مشی ها نسبت به زنان و نگرستن به آنها به عنوان موجوداتی انسانی و نه عوامل لذت جوئی حربه های جنگی و عوامل موثر در پیشبرد استراتژی جنگی است.

مقررات جهادی یا بشردوستانه اسلام که در قالب آیات و روایات یا دستورالعمل جنگی مسلمانان به صورت اوامر و نواهی «بایدها و نبایدها» و مکروهات و مباحات «ناشایسته و شایسته» صادر شده است، به صورت مواد خام و توسعه نیافته باقی مانده است؛ که لازم است براساس نیاز، و ضرورت زمان و موضوعات مستحدثه حقوق بشر و بشردوستانه تفسیر و استنباط شود، زیرا احکام و مقررات اسلامی به خصوص آیات قرآن همیشگی و برای همه زمان ها است، و می طلبد که فقها و حقوقدانان مسلمان، موضوعات و مسایل مستحدثه حقوق بشر و بشردوستانه بین المللی اسلامی را در قالب مقررات جهاد دفاعی اسلام، مورد تحقیق و استنباط قرار دهند و بسیاری از اعمال یا رفتارهای جنگی که در صدر اسلام ارتکاب آن از سوی مجاهدان مسلمان مکروه یا حتی مباح می نموده، امروزه در اثر توسعه و گسترش جنگ و جنگ افزارهای پیشرفته و مخرب، ارتکاب یا عدم ارتکاب اعمال مزبور ممکن است که به جنایات جنگی و جرایم دیگر منتهی گردد، و بر مصادیق جنایات جنگی و دیگر جرایم افزوده شده و جرم انگاری گردد.

منابع

- آقابخشی، علی (1383) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر جاپار، چاپ اول.
- اردبیلی، محمد علی (1386) حقوق بین الملل کیفری، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- بوتول، گاستون، جامعه شناسی جنگ، ترجمه: هوشنگ فرخجسته (1368) تهران: انتشارات علمی فرهنگ، چاپ سوم.
- دوئرتی، جیمز، و فالتزگراف، رابرت، نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه: وحید بزرگی و علی رضا طیب (1374) تهران: نشر قومس، چاپ پنجم.
- ژان ماری هنکرتز؛ لوئیس دوسوالدبک، حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه: دفتر امور بین الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته صلیب سرخ (1390) تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد، چاپ اول.
- شبت، ویلیام، مقدمه ای بر دیوان بین المللی کیفری، ترجمه: سید باقر میرعباسی و حمید الهوتی، نظری (1384) تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
- عیتانی، زیاد (2009م) (المحکمۃ الجنائیه الدولیه و تطور القانون الدولی الجنائی، بیروت - لبنان: منشورات الحلبي الحقوقیه، الطبعة الاولى).
- عیتانی، زیاد، حقوق بین الملل کیفری، ترجمه: حسین پیران و همکاران (1387) تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
- عیتانی، زیاد، حقوق بین الملل، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی (1385) تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- کریانگ ساک کیتی شیایزری، حقوق بین المللی کیفری، ترجمه: هنام یوسفیان و محمد اسماعیلی (1383) تهران.
- کسسه، آنتونیو، حقوق بین الملل، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی (1385) تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- ناصرزاده، هوشنگ (1372) اعلامیه های حقوق بشر، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی «ماجد» چاپ اول.
- نشریه مترو (Metro) چاپ لندن، مورخ 21 مارس 2000.